انتشار فیلم توقیفی ابوالحسن داودی در نمایش خانگی

سکوی «فیلم‌نت» پس از انتشار فیلم سینمایی «خانه پدری» به کارگردانی کیانوش عیاری و «قصه‌ها» به کارگردانی رخشان بنی‌اعتماد، حالا فیلم سینمایی «زادبوم» ابوالحسن داوودی را هم بارگذاری کرده است. این فیلم سال ۱۳۸۷ در جشنواره فجر به نمایش درآمد، اما پس از آن به مدت ۹ سال توقیف شد و درنهایت سال ۱۳۹۶ مدت زمان کوتاهی روی پرده سینماها رفت. حالا هشت سال پس از اکران عمومی، این فیلم از طریق شبکه نمایش خانگی در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. عزت‌الله انتظامی، رؤیا تیموریان، بهرام رادان، مسعود رایگان، پگاه آهنگرانی و... از جمله بازیگران این فیلم هستند. «زادبوم» یکی از آثار مهم کارنامه ابوالحسن داوودی است که پس از نمایش در جشنواره سی و هفتم به مدت ۹ سال توقیف شد و هیچ‌گاه مجال مناسبی برای دیده شدن بدست نیاورد. این فیلم در جشنواره فجر سال ۱۳۸۷ نمایش داده شد و در آن جشنواره جایزه بهترین موسیقی متن، بهترین فیلم‌نامه، بهترین فیلم بخش بین‌الملل و بهترین فیلم از نگاه ملی را گرفت. پس از جشنواره اما برخی اعلام کردند «زادبوم» اثری سیاسی است و با زبانی نمادین، مسائل مهم جامعه را به نقد کشیده است، به همین دلیل هم فیلم اجازه اکران پیدا نکرد.
کارگردان فیلم در مصاحبه‌ای گفته بود در دولت نهم، ۱۷ مورد اصلاحیه به فیلم وارد شده است.

خبر

«چشم بادومی» به زودی در سینماها اکران می‌شود

فیلم سینمایی «چشم بادومی» نخستین تجربه کارگردانی ابراهیم امینی به تهیه‌کنندگی سجاد نصرالهی قرار است از ابتدای پاییز اکران خود را در سینماها آغاز کند.
به گفته کارگردان، این اثر سینمایی ممکن است در نسخه اکران عمومی، تغییراتی نسبت به اکران جشنواره فیلم فجر داشته باشد، اما هنوز این تغییرات قطعی نشده است.
در «چشم بادومی» مائده با رؤیای حضور در سئول و شرکت در یک مسابقه کی‌پاپ، با مخالفت‌های مادرش مواجه می‌شود. این تقابل میان آرزوهای فردی و هویت فرهنگی، در کانون داستان قرار دارد و تصویری از چالش‌های نسل امروز ایران را ارائه می‌دهد که با جهانی‌شدن و پدیده‌های فرهنگی جدید روبه‌رو است. فیلم به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه نوجوانان با جذابیت‌های دنیای مدرن درگیر می‌شوند و این درگیری‌ها چطور بر روابط شخصی و خانوادگی‌شان تأثیر می‌گذارد.
از بازیگران «چشم بادومی» می‌توان به ساره بیات، مهدی هاشمی، علی باقری و ستایش دهقان اشاره کرد.

مهدی فخیم‌زاده جلو دوربین یک سریال تاریخی رفت

سریال تاریخی «گذرگاه» به کارگردانی جواد میرزاآقازاده این روزها درحال تصویربرداری است و در ۲۵ قسمت قرار است به تولید برسد. نویسنده این سریال سیدامین حسینیون است که داستان یک جوانی انقلابی را روایت می‌کند که پس از انقلاب به دنبال گشودن یک راز است. بازیگران «گذرگاه» شامل حمیدرضا پگاه، لیلا زارع و مهدی فخیم‌زاده هستند و بازیگران دیگری هم قرار است به مجموعه اضافه شوند. جواد میرزاآقازاده پیش از این کارگردانی چند اثر از جمله یک مینی سریال را بر عهده داشته است و محمد مصری‌پور تهیه‌کننده سریال نیز به‌تازگی تهیه‌کننده سریال «ناریا» بود که از شبکه یک سیما پخش شد.

فصل دوم «وحشی» هومن سیدی پاییز می‌آید

فصل دوم سریال «وحشی» هومن سیدی در قالب ۱۱ قسمت، پخش خود را از پاییز آغاز می‌کند. هومن سیدی پس از سریال «قورباغه» که تجربه متفاوتی در شبکه نمایش خانگی بود و توانست برای مخاطبان جذاب باشد، پس از پنج سال سراغ سوژه‌ای دیگر رفت. این‌بار سوژه براساس داستان واقعی شخصی است که سال‌ها در زندان بوده. «وحشی» قصه پرتنش داوود اشرف با بازی جواد عزتی را به تصویر می‌کشد.
نگار جواهریان در این سریال نقش رها جهانشاهی، وکیل جواد عزتی را بازی کرده است. این سریال در فصل اول، هشت قسمت داشت که تا به اینجا توانسته جزو پرمخاطب‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی باشد. سازندگان با پایان فصل اول در سکوت خبری تولید فصل دوم را شروع کردند. سریالی که در فصل اول رکورد تماشاگران را در سکوی نمایش‌دهنده شکسته است. با توجه به سوژه‌ای که سیدی به آن پرداخته، در فصل دوم زندگی داوود اشرف در زندان و شروع دزدی‌های مسلحانه‌اش به تصویر کشیده می‌شود؛ شخصیتی که ابتدا فردی خیرخواه بود و درنهایت تبدیل به یک وحشی ساختارشکن می‌شود. گفته می‌شود، این سریال پس از «پوست شیر» و «آکتور» حالا به جشنواره تورنتو رفته است.

درباره آخرین ساخته کریم امینی که این روزها بر پرده سینماهاست

به حس تماشای فیلم «مرد عینکی» نه بگویید!

خدیجه زمانیان | اکران فیلم سینمایی «مرد عینکی» به کارگردانی کریم امینی از اول مرداد در سینماهای کشور آغاز شده است. فیلمی با بازی بهرام افشاری و حضور بازیگرانی مثل مهدی هاشمی، هومن حاج‌عبدالهی، امیر کربلایی‌زاده، سام نوری و ادریانو تولوزا.
بهرام افشاری در این فیلم در نقش «حلیم رایگان» و شخصیت‌های «کامپوزیا» و «داریوش» یا «گرگ» نقش مردی شکست خورده را بازی می‌کند که به خاطر شباهت ظاهری با یک تروریست گرفتار گروه‌های انتقام‌گیرنده می‌شود و ممکن است جان خود را از دست بدهد.
مرد عینکی پنجمین فیلم کریم امینی در مقام کارگردان است اما فقط فیلم «فسیل» این کارگردان، مطرح و به عنوان یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران مشهور شد و دیگر آثار این فیلمساز از «دشمن زن» تا «گربه سیاه» و «شهر هرت» نتوانستند فیلم‌های قابل توجه و با کیفیتی باشند و حتی شهر هرت که با فاصله کم از فسیل اکران شد، نتوانست موفقیت فسیل را در فتح گیشه سینماها تکرار کند.

■ ژانر مجهول کمدی اکشن

مرد عینکی از نگاه گونه سینمایی، در ژانر کمدی اکشن طبقه‌بندی می‌شود اما در همین طبقه‌بندی اما و اگرهایی وجود دارد؛ چراکه در سینمای جهان این‌گونه نیست که فیلم‌های کمدی اکشن برخی لحظات خود را به سینمای اکشن و برخی مواقع را به کمدی اختصاص دهند و مرز و حد مشخصی در این تداخل گونه‌ها وجود ندارد این در حالی است که در مرد عینکی شاهد یک نیمه کمدی و درام هستیم و به یکباره فیلم، فضای اکشن پیدا می‌کند و موقعیت‌ها و کاراکترهایی که تا چندی قبل کمدی و طنز بودند یک‌دفعه اکشن می‌شوند و فضا و ریتم کار از کمدی به اکشن بدل می‌شود!
مرد عینکی حساب ویژه‌ای روی حضور و بازی بهرام افشاری به‌عنوان بازیگر اصلی فیلم و ایفاگر سه شخصیت حلیم، کامبوزیا و داریوش باز کرده است. گویا در سال‌های اخیر روی حضور او به‌عنوان یک کمدین بفروش و تضمین‌کننده گیشه فیلم‌ها حساب ۱۰۰درصدی باز شده است.
الگوی مرد عینکی در بخش کمدی آن، همان الگوی فیلم‌های کمدی این سال‌های سینمای ایران است و ردپای حمزه صالحی به‌عنوان نویسنده فیلم‌های کمدی پرفروش این سال‌ها از هفتاد سی و فسیل تا تگزاس ۳ به خوبی قابل ردیابی است؛ شوخی‌های اینستاگرامی، تکه‌کلام‌های کلیشه‌ای و گاهی جنسی مدل دیالوگ‌نویسی مرد عینکی است و خلاقیت چندانی در این نوع مراوده کلامی بازیگران وجود ندارد. بهرام افشاری در «مرد عینکی» بازی خاصی ارائه نمی‌دهد و مخاطب همان مدل بازی او را در آثار قبلی‌اش مخصوصا «فسیل» و «هفتاد،سی» شاهد است. از سوی دیگر، مدل کلی پیشبرد از سوی دیگر، مدل کلی پیشبرد داستان یعنی اشتباهی گرفتن دو فرد شبیه به هم در فیلم‌های زیادی از قبیل «مرد هزار چهره» مهران مدیری نیز وجود داشته است و تنها در یک سوم پایانی فیلم است که نوعی تغییر و به قولی رو دست خوردن تماشاگر رخ می‌دهد.

■ خستگی مخاطب از لوکیشن‌های متعدد

مسیر «مرد عینکی» به‌ظاهر روند پر فرازوفرودی است و عامریان و امینی در مقام تهیه‌کننده و کارگردان سعی کرده‌اند برای فروش بیشتر و همچنین تنوع و جذابیت فیلم، از لوکیشن‌های مختلفی از چین و آمریکا تا اقیانوس هند و دزدان دریایی سومالی بهره ببرند، اما باوجود این‌همه تغییر لحن و فضا و لوکیشن، مرد عینکی همچنان توان و قدرت خلق رویکرد جدیدی ندارد؛ چرا که بیش از آنکه به عمق و حس مخاطب اهمیت دهد به سطح و ظواهر پرداخته است، حتی یک جاهایی این تنوع و تعدد لوکیشن حوصله مخاطب را سر می‌برد. مصداق بارز آن وقتی است که حلیم رایگان یا همان کامپوزیا به دام دزدان دریایی سومالی می‌افتد و چند روز و شب در کشتی روی اقیانوس سپری می‌شود. این روز و شب شدن و حرکت کشتی اتفاقی در روند قصه ایجاد نمی‌کند و کاملاً مخاطب را خسته می‌کند حتی اگر مخاطبی در سانس‌های آخر این فیلم را ببیند همین چند دقیقه خوابش می‌برد!
انگار قرار است در این فیلم، حفره‌ها و ضعف‌های فیلم‌نامه با ریتم تند و کارگردانی صحنه‌های پر زدوخورد و اکشن بهرام افشاری در دقایق پایانی فیلم و تکه‌پراکنی‌های کلیشه‌ای جبران شود، اما همچنان که گفته شد در لحظات مختلفی از فیلم، نه‌تنها سرگرم‌کنندگی و باورپذیری رخ نمی‌دهد؛ بلکه حس و فکر تماشاگر نیز برای همراهی داستان برانگیخته نمی‌شود.
کریم امینی شاید توانست با «فسیل» عنوان پرفروش‌ترین فیلم سینما را از آن خود کند، اما این نوع فیلم‌سازی همیشه جواب نمی‌دهد و الگوی استفاده از یک بازیگر پرفروش و فیلم‌نامه چند خطی و کنار هم گذاشتن چند لوکیشن و استفاده از بازیگران خارجی پر رنگ و لعاب بالاخره مخاطب را دلزده می‌کند.
این دلزدگی آرام آرام اتفاق افتاده که رونق سینمای اجتماعی و پرفروش شدن فیلم‌های اجتماعی مصداق گویای این گزاره است.

■ انتقاد به بی‌عدالتی در نحوه اکران فیلم‌ها

سینمادارها بهترین سانس‌ها و سالن‌ها را به فیلم مرد عینکی اختصاص داده‌اند و با این حمایت‌ها این فیلم توانسته از اول مرداد تا لحظه نگاشتن این مطلب ۴۵ میلیارد ۶۶۰ میلیون تومان بفروشد.
در جدول فروش این هفته هم «مرد عینکی» با فروش ۱۷میلیارد و ۲۴۲میلیون تومانی، رتبه نخست را حفظ کرده است. درام «پیرپسر» به‌کارگردانی اُکتای براهنی با فروش ۱۲میلیارد و ۹۰۷میلیون‌تومان دوم شده و درام «زن و بچه» ساخته سعید روستایی با فروش ۱۲میلیارد و ۷میلیون‌تومان در جایگاه سوم ایستاده است. نکته قابل‌توجه، اختلاف فروش بسیار زیاد میان فیلم رتبه سوم جدول و فیلم رتبه چهارم، کمدی «جزایر قناری» با فروش ۲میلیارد و ۴۹۶میلیون‌تومان است که نشان می‌دهد عمده فروش هفته همچنان به سه فیلم صدرنشین اختصاص دارد.
میزان فروش «مرد عینکی» در قیاس با فیلم‌های اجتماعی پرفروش روی پرده شاید رقم قابل توجهی نباشد، اما این میزان فروش در مقایسه با فیلم‌های درام و اجتماعی نظیر «آنجا همان ساعت» ساخته سیروس الوند، «زعفرانیه ۱۴ تیر» به کارگردانی سیدعلی هاشمی و «ترک عمیق» ساخته آرمان زرین‌کوب قابل توجه است.
سه فیلم نام‌برده آثاری هستند که اگر مخاطبی قصد تماشای آن‌ها را داشته باشد در انتخاب سینما و سانس مورد نظر با مشکل مواجه می‌شود؛ چون این فیلم‌ها هر روز نمایش داده نمی‌شوند و حتی در روزهایی که اکران می‌شوند در یک یا دو سانس محدود و بعضاً سانس‌های مرده به نمایش درمی‌آیند.
چند روز گذشته آرمان زرین‌کوب کارگردان فیلم «ترک عمیق» با گلایه از سانس‌هایی که به این فیلم داده شده است، گفت: «به نظر من اگر فضای خاص این روزها یعنی جنگ تحمیلی اخیر اتفاق نمی‌افتاد، هیچ‌وقت این فیلم اکران نمی‌شد». او در مصاحبه با یکی از خبرگزاری‌ها با اشاره به محدودیت‌های اعمال‌شده بر اکران فیلمش تأکید کرده است: «با سانس‌هایی که به ما دادند به نظرم فیلم‌سوزی در مورد «ترک عمیق» رخ داد. سالن‌ها در قبال ما عملکرد خوبی نداشتند یا تعداد سانس‌ها به‌شدت محدود بود. برای فیلمی با این کیفیت و محتوا، این شرایط نوعی فیلم‌سوزی محسوب می‌شود که عملاً مخاطب را از سینما دور می‌کند. به نظر من اگر فضای خاص این روزها یعنی جنگ تحمیلی اخیر اتفاق نمی‌افتاد، هیچ‌وقت این فیلم اکران نمی‌شد. بسیاری از فیلم‌ها به خاطر جنگ تحمیلی فیلمشان را بیرون کشیدند، زیرا نمی‌خواستند فیلمشان را در این شرایط به نمایش دربیاورند، اما بعداً به ما گفتند فیلمتان را بیاورید اکران کنید، این در حالی است که سالن‌ها و سانس‌ها را در قبال فیلم ما کم و کمتر کردند چون فیلم‌های پرفروش‌تر دیگری وجود داشت».

■ چرا نباید «مرد عینکی» را دید؟

قیمت بلیت فیلم مرد عینکی برای یک خانواده چهارنفره ۴۴۰ هزار تومان آب می‌خورد. صرف‌نظر از هزینه رفت‌وآمد، با احتساب مصرف داخلی سالن سینما، تقریباً برای دیدن این فیلم باید ۸۰۰ هزار تومان خرج کرد. مخاطبی که به تماشای فیلم مرد عینکی می‌رود برای این فیلم نه خندیده ونه برای سکانسی به فکر فرو رفته، فقط حرص می‌خورد چرا وقت و پولش را برای دیدن اثری که مهر کمدی روی آن خورده اما نه می‌خنداند و نه مخاطب را درگیر موقعیت خاصی می‌کند، تباه کرده؟ مخاطب سینمارو کم کم به این باور رسیده که کمدی‌های این روزها حال خوب‌کن نیستند و وقتی این کمدی‌ها را می‌بیند با خودش می‌گوید یاد کمدی‌های شادی مثل: مارمولک، لیلی با من است، مرد عوضی، مومیایی، عینک دودی، نان عشق موتور هزار، کما، چند می‌گیری گریه کنی؟، بی‌پولی، سن پطرزبورگ، ورود آقایان ممنوع و ...به‌خیر!
مخاطب باید به حسِ دیدن فیلمی مانند مرد عینکی، نه بگوید تا سینمای ایران وارد مسیر حرفه‌ای خود شود و فیلمساز را متقاعد کند کمدی را به گونه‌ای بسازد که شأن مخاطب سینمارو در آن حفظ شود و فقط به جیب او چشم ندوزد! این باور سینمادار را هم متقاعد می‌کند تا عدالت رادر اکران رعایت کند و حرمت فیلمی که به مخاطب احترام گذاشته است را نگه دارد.
ذکر این نکته هم ضروری است؛ اگرچه سبد اکران در ماه‌های گذشته تلاش کرده انواع ژانرها را در خود بگنجاند، اما هنوز دست سینما برای خانواده امروز ایرانی خالی است چون آثاری مانند «زیبا صدایم کن» که برای خانواده‌ها ساخته می‌شود و می‌تواند دیدن آن برای همه سنین اعضای یک خانواده جذاب باشد، کمتر ساخته می‌شود و حتی این آثار بعد ساخته شدن هم توفیق چندانی در جلب نظر سینماگر و اختصاص سانس و سالن‌های متعدد به دست نمی‌آورند.

تازه‌های نشر

انتشار بهترین سروده‌های ایران و جهان با ترجمه احمد پوری

زمانیان | احمد پوری که نامش با شعر و شاعری پیوندی دیرینه دارد، در کتاب «بر سرِ چشمه‌ی خواب» گزیده‌ای از بهترین سروده‌های کوتاه ایران و جهان را انتخاب و ترجمه کرده است. احمد پوری به عنوان شعرشناسی خبره، از میان انبوهی شعر، آن‌هایی را برگزیده و بازگردان کرده است که در کمترین زمان، خواننده را به سرِ چشمه خواب می‌برند، اما احساسات و درکی عمیق را در او بیدار می‌کنند.
مجموعه شعر «بر سر چشمه‌ی خواب» با انتخاب و ترجمه احمد پوری با ۲۲۰ صفحه و قیمت ۳۲۰ هزار تومان توسط نشر خزه در دسترس علاقه‌مندان به این آثار قرار گرفته است.
احمد پوری مترجم و نویسنده‌ای است که مخاطب ایرانی او را به عنوان ترجمه شعرهای عاشقانه شاعران بزرگ جهان می‌شناسد. تا به امروز آثار شاعرانی چون آنا آخماتوا، پابلو نرودا، فدریکو گارسیا لورکا، ناظم حکمت، نزار قبانی، یانیس ریتسوس و آن سکستون را ترجمه کرده است. وی همچنین رمانی از بولگاکف و چند مجموعه داستان دیگر نیز ترجمه کرده است. پوری البته تجربه نویسندگی هم دارد. در سال ۱۳۸۷ نخستین رمان او با عنوان «دو قدم این‌ور خط» توسط نشر چشمه منتشر شد که با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد. برخی منتقدان این رمان را فصلی تازه در ادبیات داستانی ایران دانسته‌اند. همچنین رمان «فقط ده ساعت» نوشته احمد پوری در سال ۱۳۹۷ باز هم توسط نشر چشمه منتشر شد. محور موضوعی «فقط ده ساعت» مسئله مرگ و درباره جوانی است که به سرطان مبتلا شده است.

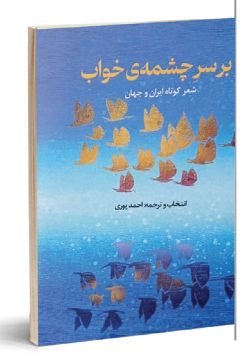

زوم

«از یاد رفته» شما را کنجکاو می‌کند

معما در دل درام

صبا کریمی | برزو نیک‌نژاد را با فیلم و سریال‌های متنوعی می‌شناسیم که وجه اشتراک بیشتر آن‌ها داستان‌هایی ملتهب، غافلگیرکننده و با شخصیت‌های فراوان است. او در جدیدترین ساخته خود که این روزها از فیلم‌نت در حال پخش است سراغ یک درام معمایی و روان‌شناختی رفته است. «از یاد رفته» داستان زندگی فردی است که از گذشته تلخش فرار می‌کند، اما این فرار او را درگیر بحرانی عمیق‌تر و رازهای پنهان شخصیت‌های اطرافش را آشکار می‌کند.
کار نیک‌نژاد از آن حیث دشوار و سخت می‌شود که دست روی موضوعی کلیشه‌ای گذاشته که تاکنون خوانش‌های متعددی در نسخه‌های سینمایی و به‌ویژه سریالی داشته است. ماجرای یک راز قدیمی در خانواده‌ای بزرگ، جنگ بر سر قدرت، پیدا شدن سر و کله یک وارث تازه، سر باز کردن کینه‌های قدیمی و میل به انتقام و درنهایت نهال عشقی که در میانه این هیاهو سر بر می‌آورد و احتمالاً مسیر همه چیز را تغییر می‌دهد.
اگرچه نیک‌نژاد در سریال جدیدش سراغ موضوعی تکراری رفته و اصطلاحاً روی لبه تیغ گام برداشته است، اما سعی کرده با شیوه متفاوتی روایت خود را به تصویر بکشد.
هرچند هنوز هم آبشخور اصلی «از یاد رفته» همان مختصات و نمادهای سمبلیک و تیپیکالی است که پیش‌تر هم در آثاری با این مضمون دیده شده، مانند تصویری که از آدم‌های پولدار و تفریحاتشان تا عمارت‌های بزرگ و شرکت‌های چند طبقه به نمایش درآمده و در مقابل آدم‌های خوب قصه که ظاهراً مورد ظلم قرار گرفتند و همان تیپ همیشگی از طبقه ضعیف جامعه با ساختارهای معمول را باز تعریف می‌کنند.
اما قسمت اول «از یاد رفته» چیزی فراتر از معرفی شخصیت‌های داستان است. روایتی غیرخطی و پرشتاب با فلش‌بک و فلش‌فوروردهایی که گاه موجب سردرگمی مخاطب می‌شود. کاراکترهایی که نمی‌شناسیم اما مجبوریم با آن‌ها همگام شویم تا بفهمیم که هستند و چه می‌خواهند.
با توجه به تعدد شخصیت‌های مختلف و اینکه کارگردان اصرار دارد معرفی هرچند مختصری از هرکدام از آن‌ها داشته باشد، مخاطب را در همان قسمت نخست با حجم زیادی از اطلاعات مواجه می‌کند. البته در قسمت‌های بعدی کم کم این اطلاعات در ذهن ته‌نشین و جایگاه شخصیت‌ها و روابطشان با یکدیگر شفاف‌تر می‌شود و همین همراه شدن بیننده با آن‌ها، کنجکاوی برای دنبال کردن سریال را هم بیشتر می‌کند.
حضور بازیگرانی همچون فرهاد اصلانی، آزیتا حاجیان، حسین محجوب، فریبا متخصص، فریبا کوثری، مجید مظفری، سینا مهراد، پردیس احمدیه، ارسطو خوش‌رزم و الهام اخوان ویترین پررنگ و لعابی برای «از یاد رفته» فراهم کرده که می‌تواند عاملی برای جذب مخاطبان به این سریال باشد و از سویی دیگر به دلیل حضور نسل‌های مختلف در داستان، توازن قابل قبولی بدست آمده است.
نکته دیگر خرده‌روایت‌های مختلفی است که حول محور هسته اصلی داستان شکل می‌گیرد و ما را با رازهایی مواجه می‌کند که هر یک از شخصیت‌های داستان دارند و این امتیاز دیگری است که «از یاد رفته» را به یک اثر پر و پیمان تبدیل کرده که می‌تواند از آن برای فضاسازی و خلق موقعیت‌های درام و معماگونه بهره برده و به کشش داستانی کمک کند.
ضرباهنگ و ریتم تند سریال در کنار غافلگیری‌هایی که هر قسمت با خود به همراه دارد و اتفاقی که پایان هر اپیزود را به قسمت بعدی ضمیمه می‌کند موجب می‌شود انتظار و کنجکاوی را در ذهن مخاطب برانگیزاند، ولی با این حال قضاوت درباره اینکه این سریال به چه سمت و سویی خواهد رفت هنوز زود است، اما واقعیت این است که «از یاد رفته» برای اینکه از یادها نرود نیاز به خلق یک اتفاق تازه در دل بحران‌هایش دارد؛ چیزی فراتر از آنچه در ملودرام‌های معمایی مشابه دیده‌ایم.